

کلیه اسرار معارف الهیه و علوم معنوی و فنون مادی (حتی
صنایع عصر الکتریک و اتم که دیده جهانیان را بخود مجذوب
و خیره ساخته) بر انبیاء علیهم السلام بوسیله وحی آسمانی
نازل، و برای حکماء از طریق اشراق ربانی حاصل گردیده و بارها بر اثر حس
کنجکاو بشر مدارج تکامل را پیموده و چون باعلی درجه کمال رسیده در دست
تمدن یکباره از بین رفته (و یکروز ربوبی پایان یافته) باز دور دیگر از سر
شروع گردیده است.

و ما پس از تمهید یک مقدمه و بیان ابواب فلسفه (فهرست علوم) این بحث را
دنبال خواهیم نمود.

(مقدمه)

ورقای نفس آدمی را دو نیرو (بمنزله دو بال) موجود است که با آن
میتواند باوج سدره کمال پرواز نماید؛
این دو قوه یکی فکر دیگری اراده است، فکر مشعلدار حقیقت و اراده
انگیزه انسان بسوی مدینه کمال میباشد، و جانت کل نفس معها سائق و شهید
بفکر میتواند همه چیز را دانست و با اراده توان هر کار را کرد. و چون در فلسفه
از دانستیها و بجا آوردنیها بحث میشود و فکر و اراده نیروی دانش و کار
یا عقل نظر و عمل میباشد بدینجهت دو باب کلی فلسفه را نیز (که از این دو
نیرو سر چشمه میگیرد) حکمت نظری و حکمت عملی مینامند:

ابواب فلسفه

۱ - فلسفه نظری (آنچه باید دانست) :

یابحث از موجوداتی است مجرد از مقدار و ماده: آن فلسفه اولی (آلهیات) میباشد،
یا گفتگو در موجوداتی است مقید بمقدار (مجرد از ماده) آن فلسفه وسطی (ریاضیات)
میباشد یا سخن از موجوداتی است مقید بمقدار و ماده: آن فلسفه سفلی (طبیعیات) میباشد.

اما الهیات : یا بحث از مطلق مجردات میباشد . آن الهیات بمعنی الاعم است ، یا سخن از مبدء و معاد ، فرشتگان ، کتب آسمانی ، پیامبران روز جزا میباشد آن الهیات بمعنی الاخص (و باصطلاح ادیان مبحث اصول عقاید) است که پایه ایمان باشد ، تؤمنون بالله و ملائکته و رسله و الیوم الآخر ،

و اما ریاضیات : مقدار یا هنگام انقسام فصل مشترک دارد : آن کم منفصل است . و کم متصل : یا متوالی الوجود (فار) و اجزائش (در طول م) هر یک پس از دیگری موجود میشود : آن زمان است و یا متوالی الوجود (قار) و اجزائش (در عرض م) همه با همدیگر موجود میباشند : آن مکان است کم قار م بدون اعتبار حرکت : هندسه فضائی ، و با اعتبار حرکات هیئت است ، و اگر موضوع رنگ و رسم باشد نقاشی است .

کم منفصل م : اگر موضوعش نقطه باشد (نه نقطه هندسی که مربوط است به کم متصل) رمل است و اگر موضوع حرف باشد جفر است و اگر عدد باشد حساب است ، و اگر سخن موزون باشد شعر است ، و اگر الحان متناسبه باشد موسیقی است . و اما طبیعیات : اگر موضوع قوه باشد : فیزیک (علم القوه) است (و باعتبار حرکت و سکون مکانیک است) و اگر ماده باشد شیمی (علم الماده) است : ذره شناسی ، زمین شناسی ، آب شناسی ، معدن شناسی ، تشریح (که موضوعش سازمان بدن است) و وظائف الاعضاء (که اثر کیمی است از تشریح و مکانیک) طب (که موضوعش علاج امراض و امراض بدن است) همه فنون طبیعی هستند که از بعضی از اینها شعبه های دیگر نیز جدا میگردند :

۲ - فلسفه عملی (آنچه باید بکار بست) :

اگر موضوع آن تهذیب نفس باشد : اخلاق است ، اگر تربیت خانواده باشد : تدبیر منزل ، اگر نظم جامعه باشد : سیاست مدن است . سیاست مدن م ، اگر از طریق وحی نازل است شرایع انبیاء علیهم السلام . اگر از راه فکر حاصل است : علم الاجتماع میباشد .

مقدمه و تقسیم ابواب فلسفه پایان یافت و ما از این سپس مطالب شگرف زیر را بعنوان وفق دادن دین و دانش دنبال خواهیم نمود .